



فصلنامه زبان و ادبیات فارسی  
نویسنده: دکتر محمد علی  
زبان: فارسی  
۱۴ بهمن ۱۳۰۲



بازدید شد  
۱۳۸۴

۹۸۹۲-ن

۱۱۱۲۰

کتابخانه مجلس شورای ملی



شماره ثبت کتاب

کتاب: مواهب علیہ (تفسیر حسینی)

مؤلف: حسین واعظ کاشفی

موضوع

دادهای سرالع: کتابت زبان و ادبیات فارسی ۱۳۲۴۱

۸۶۱۳۰

کتابخانه مجلس شورای ملی  
کتاب: مواهب علیہ  
شماره ثبت: ۱۳۲۴۱



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

انطاف بدرفت ونامر محمد اول پرتو كابل و نوشينه  
شامل دست داده و بنظر بالاسلحه بناهي رسيدن غر و جل  
باخت اما واسطه و فودلاق و هجر عوافه و خيبر و ول  
مخلات در جيز نفوس و عقده في اخذاد تا دفره و خيبر و لكر  
سته سيم و شعين و شامابه اسامه ملهمه و شوان هالم  
لاوي و طرافه ترتيب جافه حسين كاشي رسيدن كنهاله  
الوقت و از حرمه ميله انكاف خزان و معمر الاطلسار  
فصيت نامي كيات و اقصرها في رقد و زده كاكستان  
كرد تا خضره مشارا و اله او و اهت امان نام قبايد  
و معارف كليات قران طر استخرا و ملحوظ في مايد  
و خالط اسير بايشان سيدن ان ران و ان و ران  
بين نوا و سدا و نعلين كنه و است و اسير و سدا  
بر سدا و نعلين كنه و است و اسير و سدا  
نصا به خضره ماري جل شاه و عز سلطه ان خذانت كنه  
قرب نيسر و نعلين كنه و است و اسير و سدا

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين















































و اندوختند چو دانه آن مرگ را بیک هرگز نماندند بآنجند نیش فرشتاداد است  
 و ستای ایشان از قتل انبیا و تقصیر یافت مصطفی علیه و علیهما السلام و السلام  
 و الله جلیم و عذای و تائیت با لکلمه ایست که از آن و دروغ گویان و کجایم و حق  
 که با ی نجهیزان از حصص الناس حریف ترین مرغان علی حقیق بر زمین گویان و این  
 اکثر اشکس و از آن گویان تر که شرب آورده اند بعضی کفار عرب و اعراب است که ایضا  
 شرب کنند از جویس زیرا که هیچکس از بندگان دوست نراند ایشان نیست برادر خدایم  
 و دوست مبارک بکلی از ایشان بیخوار گویان که کاش صبر را ده شود او را و صبر  
 هزار سال و ازین است که چنین جویس جز با هم رسد این است که هزار سال بزی و نرد بعضی  
 از عذاب گشتن این لفظ مکرره است و ما عرض میفرماییم و نیست که رهانده او باشد  
 من العذاب از عذاب و دروغ آن نیست بلکه عذر را ده شود بعضی عذر را ده  
 عذاب الهی نیست و الله بصیر و خدای بی نهایت است که با حق میکند هر چه میسر  
 و غیر ایشان بعضی از پیغمبر گشتند که صاحب محمد صلی الله علیه و سلم جبریل است و آن  
 وحی بدو فرود آمد و اسلا می داد از جبریل رحمت بسیار رسید و اکثر بندگان و عذاب بر  
 انبیا و ائمه و اولاد او و اسلا می کردی ما با و اسلا می کردی او را و او را و او را  
 فرمود که فکر بکری میگردان که هر که باشد عذر او را در پیش من جبریل را جان  
 نایست عذر را می گوئی و معنی آن عذر را باشد و این وحی خدای است پس هر که  
 دشمن او بود کفر و خشم بر او نه و نه پس بگویم که او فرو می رود مرا علی علیه السلام  
 تو را زنی که بر او خدای تعالی مصدقاً و دعائی که او صدق میگوید است که هر چه  
 مرا بخیر که من از وی نازل شده و حالاً با ایشان است از کتب منزله چون توبه و زبور  
 و هکذا و قرآن را هدایت است سخن و شری و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر  
 و در جان هر که باشد عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر  
 و فرستادگان او را و جبریل و میکائیل و انجیل و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر  
 تعالی عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر  
 ما فرستادیم اینک بسیم و یا ایها الذین آمنوا و اتقوا الله و اطعوا الله و اطعوا رسوله  
 و اطعوا اولی الامر من بعدنا و ما یخلفنا فی الامر من بعدنا و ما یخلفنا فی الامر من بعدنا  
 خدای او که با خدا و ایا هر که که میسر میگردند هر که میسر میگردند هر که میسر میگردند  
 از او هر چه میسر میگردند هر که میسر میگردند هر که میسر میگردند هر که میسر میگردند  
 بزرگوار و ما عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر  
 خدای یعنی عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر  
 قرین میکنند که وی من الیوم اولی الامر و الا که کتاب از آنکه عطا را ده شده اند  
 بزرگوار یعنی علما ایشان بنیاد خدای کتاب الله توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر

سیرت فرد کالشم بر آن علما که با توبه میگردند که ان کلام الله است و میسر میگردند  
 و الله جلیم و عذای و تائیت با لکلمه ایست که از آن و دروغ گویان و کجایم و حق  
 که با ی نجهیزان از حصص الناس حریف ترین مرغان علی حقیق بر زمین گویان و این  
 اکثر اشکس و از آن گویان تر که شرب آورده اند بعضی کفار عرب و اعراب است که ایضا  
 شرب کنند از جویس زیرا که هیچکس از بندگان دوست نراند ایشان نیست برادر خدایم  
 و دوست مبارک بکلی از ایشان بیخوار گویان که کاش صبر را ده شود او را و صبر  
 هزار سال و ازین است که چنین جویس جز با هم رسد این است که هزار سال بزی و نرد بعضی  
 از عذاب گشتن این لفظ مکرره است و ما عرض میفرماییم و نیست که رهانده او باشد  
 من العذاب از عذاب و دروغ آن نیست بلکه عذر را ده شود بعضی عذر را ده  
 عذاب الهی نیست و الله بصیر و خدای بی نهایت است که با حق میکند هر چه میسر  
 و غیر ایشان بعضی از پیغمبر گشتند که صاحب محمد صلی الله علیه و سلم جبریل است و آن  
 وحی بدو فرود آمد و اسلا می داد از جبریل رحمت بسیار رسید و اکثر بندگان و عذاب بر  
 انبیا و ائمه و اولاد او و اسلا می کردی ما با و اسلا می کردی او را و او را و او را  
 فرمود که فکر بکری میگردان که هر که باشد عذر او را در پیش من جبریل را جان  
 نایست عذر را می گوئی و معنی آن عذر را باشد و این وحی خدای است پس هر که  
 دشمن او بود کفر و خشم بر او نه و نه پس بگویم که او فرو می رود مرا علی علیه السلام  
 تو را زنی که بر او خدای تعالی مصدقاً و دعائی که او صدق میگوید است که هر چه  
 مرا بخیر که من از وی نازل شده و حالاً با ایشان است از کتب منزله چون توبه و زبور  
 و هکذا و قرآن را هدایت است سخن و شری و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر  
 و در جان هر که باشد عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر  
 و فرستادگان او را و جبریل و میکائیل و انجیل و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر  
 تعالی عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر  
 ما فرستادیم اینک بسیم و یا ایها الذین آمنوا و اتقوا الله و اطعوا الله و اطعوا رسوله  
 و اطعوا اولی الامر من بعدنا و ما یخلفنا فی الامر من بعدنا و ما یخلفنا فی الامر من بعدنا  
 خدای او که با خدا و ایا هر که که میسر میگردند هر که میسر میگردند هر که میسر میگردند  
 از او هر چه میسر میگردند هر که میسر میگردند هر که میسر میگردند هر که میسر میگردند  
 بزرگوار و ما عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر  
 خدای یعنی عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر  
 قرین میکنند که وی من الیوم اولی الامر و الا که کتاب از آنکه عطا را ده شده اند  
 بزرگوار یعنی علما ایشان بنیاد خدای کتاب الله توبه و عذر و توبه و عذر و توبه و عذر











































































































































[illegible]

و اینها را که در این کتاب است  
در این کتاب است  
که در این کتاب است  
پس اینها را که در این کتاب است























































































































































بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وینما

[illegible]

١٠

[illegible]



























































































































































































































































































































































































































































































































































































































































































































































آنحضرت صلی الله علیه و آله از صاحب الهی که بر حضرت شیخ زکی الدین  
علیه السلام سلامی فرمود پس سر فرمود از آنکه مکتوب است که حضرت رسالت  
صلی الله علیه و آله سه صورت است یکی بشری از آنکه تعالی انما ابشرکم  
و بپوشیدگی خاتم فرموده است احدی را نیست عیندی سیم حق که  
تعالی مع الله وقت و این و مشفق ترین را فی حق تعالی الهی و بپوشیدگی  
را با این در هر صورت حق بیاید و بپوشیدگی شد در صورت بشری  
کلمات مکتوبه حق تعالی از جمله احدی در صورت مکتوبه حقوق مکتوبه  
مانند مکتوبه حق تعالی و در صورت حق تعالی حق تعالی مکتوبه  
در مکتوبه حق تعالی و بپوشیدگی از آنکه حق تعالی  
نقطه خطی با حق تعالی پس حقوق مکتوبه حضرت بیان حق  
بپوشیدگی حق تعالی از علیه تصاویر و السلام و بپوشیدگی حق تعالی  
از بپوشیدگی است و گفته اند از حق تعالی است و الهی است و از بپوشیدگی  
حق تعالی که در بپوشیدگی از بپوشیدگی حق تعالی است  
یا جمعیت و گفته اند که حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است  
الحارثه باسمه هادی و بپوشیدگی حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و گفته اند

مراغب

گرفتند یا نیست یا که بپوشیدگی حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است  
مکتوبه و بپوشیدگی حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است  
از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است  
پوشیدگی حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است  
عینه و بپوشیدگی حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است  
بن داود علیه السلام بوده و بپوشیدگی حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است  
الحق تعالی و بپوشیدگی حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است  
جود تعالی که آن با خدا حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است  
بیان بود چه لغز می باشد که در بپوشیدگی حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است  
سال تا تا بپوشیدگی حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است  
ساعتی بود و بپوشیدگی حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است  
که از روی نیاز کمال حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است  
العظم بپوشیدگی حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است  
حق تعالی و بپوشیدگی حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است  
ما بپوشیدگی حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است

که بر روی کار خود را و بپوشیدگی حق تعالی است  
جود از بپوشیدگی حق تعالی است و از آنکه حق تعالی است و بپوشیدگی حق تعالی است







































































































































































































































































































والله اعلم  
بما

23







































































































































































































































































































































































































































اسکے جواب

[illegible]



























































































[illegible][illegible]



















































































































































































































































ما سنی یکروز بخشنی مگر ما مسیحی را بدینا خورق قانع و دراکشی ارضی این  
وصف اگر چه بد و اهل حنا سنی در میان آورده که مخالف عریضه و عریضه  
اصلیه باشند حال اشخاص شش و سه روز که مکرر بخشن احادیثی که غیر منید  
لازم بعد از ذکر شش روزی که باقی است از آن ایام که بد با آن که عکس کاف  
کافیه داشته شد است و سنی و آل اعیان و با نظر میکنند که با آن که عکس  
کافیه نیست که گفته نباده شده است و برین وجه که کافیه و آل اعیان  
و مکرر بخشن که گفته شده است با جای ارم حلی باشد و کافیه و آل اعیان  
بعد از آن بعد از آن که گفته شده است که کافیه و آل اعیان  
نیز بدان نصیحت رسیده که اگر کافیه و آل اعیان  
هر که روی کرد با بعد از آن که گفته شده است که کافیه و آل اعیان  
الغالب اکثر عذاب و کافیه و آل اعیان  
و کافیه و آل اعیان

[illegible][illegible]



























































